

میزبان مسافری از هند

عاشق نباشه آدم حتی خدا غریبه‌س
از لحظه‌های حوا، حوا می‌مونه و بس
نترس اگه دل تو از خواب کهنه پاشه
شاید خدا قصه‌تو از نو نوشته باشه

وی جزو معدود ترانه‌سرایانی بود که با موسیقی و نت‌های آن به خوبی آشنایی داشت؛ لذا بسی جای تاسف و تأثر است که بیشتر اشعار وی به مکتوبه‌ای تبدیل نشده است. لذا از دوستانی که از راه‌های دور و نزدیک برای عرض تسلیت آمده‌اند تقاضا می‌شود برای آرامش روح آن عزیز درگذشته فاتحه‌ای قرائت کنند. گفتنی است دکتر شاعر افشین یداللهی در بامداد روز چهارشنبه مورخ ۲۵ اسفند سال ۱۳۹۵ طی

یک حادثه رانندگی جان خود را از دست داد.
روحش قرین رحمت!

تو اضطراب عشق و گناه بی‌اراده
بی‌عشق عمر آدم بی‌اعتقاد می‌ره
۷۰ سال عبادت یک شب به باد می‌ره
وقتی که عشق آخر تصمیمشو بگیره
کاری نداره زوده یا حتی خیلی دیره
ترسیده بودم از عشق عاشق‌تر از همیشه
هر چی محال می‌شد با عشق داره میشه

خورشیدی، وی که سرش در حوزه ترانه باد همی‌داشت، با چند نفر از هم‌کیشان قصد راه‌اندازی محفلی کرد که در آن شمع‌ی باشد و پروانه‌هایی و ورزش نسیمی و شرشر آبی و خلاصه فضایی داشته باشد پس مرموز تا ترانه‌هایی در آنجا خوانده شود دل افروز و جانسوز!
این بود که علاوه بر خانه خودشان و مدرسه که متأسفانه خانه دوم همه ماست؛ خانه سومی فراهم کرد و اسمش را گذاشتند «خانه‌ترانه». اکابر موسیقی و اعظم ترانه و مشایخ ادب، جملگی در آن محفل رخ می‌نمودند و از جمله آن‌هایی بود به بابک بیات و داریوش تقی‌پور اشارتی کرد و البته بدانید که بسی بیش از این‌ها بودند.
روزی از افشین پرسیدند که چه شد که این شد؟ وی گفت: چه چیز چه شد که این شد؟ گفتند: همین خانه.

گفت: «هیچ‌گاه ترانه جدی گرفته نشده، نقد و بررسی انجام داده نشده، ما می‌خواستیم بچه‌های علاقه‌مند و ترانه‌سراها دور هم جمع شوند، ترانه‌ها را بشنوند و از تجربیات دیگران استفاده کنند و در واقع به گردهمایی برای تبادل نظر بین ترانه‌سرایان تبدیل شود و خوانندگان و آهنگسازان بتوانند بدون واسطه از خود شخص ترانه‌سرا، ترانه‌ای را که علاقه‌مند هستند، بگیرند.»

مرحوم نمی‌دانست که قرار است روزی تذکره‌اش به رشته‌تحریر درآید و از همین رو زبان بیانش هیچ مناسباتی با ادبیات تذکره‌نویسی حقیر نداشته است، لکن به جان عزیزانم که حرف وی است.

■ اندر احوالات شاعرانگی وی

وی در اشعار خویش سخن‌هایی را که در یک قالب نمی‌گنجد، می‌گنجاند. برخی معتقدند از وی بر اثر ترانه‌هایش حرف‌هایی باقی مانده که تا پیش از او هیچ‌کسی بر زبان نرانده بود و پس از وی نیز کسی جرأت بیان‌شان را نخواهد داشت. اگر تردید بر ذهن‌تان خطور کرده است همین چند خط را با صدای خواجه خوانندگان ایران زمین، آن‌که هرگز پای ننهاد کج؛ فرزند خواننده مشهور «ایرج»، یعنی جناب خواجه‌امیری زمزمه کنید: همیشه خدا رو حس کرد تو لحظه‌های ساده

آن دانای عشق و سرور، آن سرآمد شعر و شعور، دارای بسی کتاب‌طور، آن پخته سوخته، آن عاشق مسلک‌افروخته، آن رند، آن پدیدآورنده «مسافری از هند»، گردآورنده چندین مجموعه، آفریننده «میوه ممنوعه»، سازنده «خوش‌رکاب»، خورنده کتاب، ترانه‌سرای در هر باب، که با خواندن ابیاتی از هر کوی و برزن برآید آهی، حضرت فرهیخته، استاد افشین یداللهی؛ که خدایش بیامرزد. در خصوص وی جز خوبی نگفته‌اند و چه اشک‌ها که در پی خوانش آثارش نسفته‌اند.

آورده‌اند که در عالم ترانه و شعر، روزگاری شد و افشین نامی برآمد که از فرط لطافت و کرامات، انگشت خلق بر دهان فرومی‌ماند و عقل منتقدان در نقد آثارش پاره‌سنگ برمی‌داشت. وی از همان کودکی شروع به بزرگ شدن همی کرد و به شعر و غزل و ترانه هم علاقه وافر داشت. لذا طبق قواعد نانوشته تاریخ، هم وارد رشته تجربی شد تا پزشکی بخواند و هم در کنارش شعر و ترانه و این مسخره‌بازی‌ها (البته از دید اکابر و بزرگ‌ترهای فامیل) را دنبال کند.

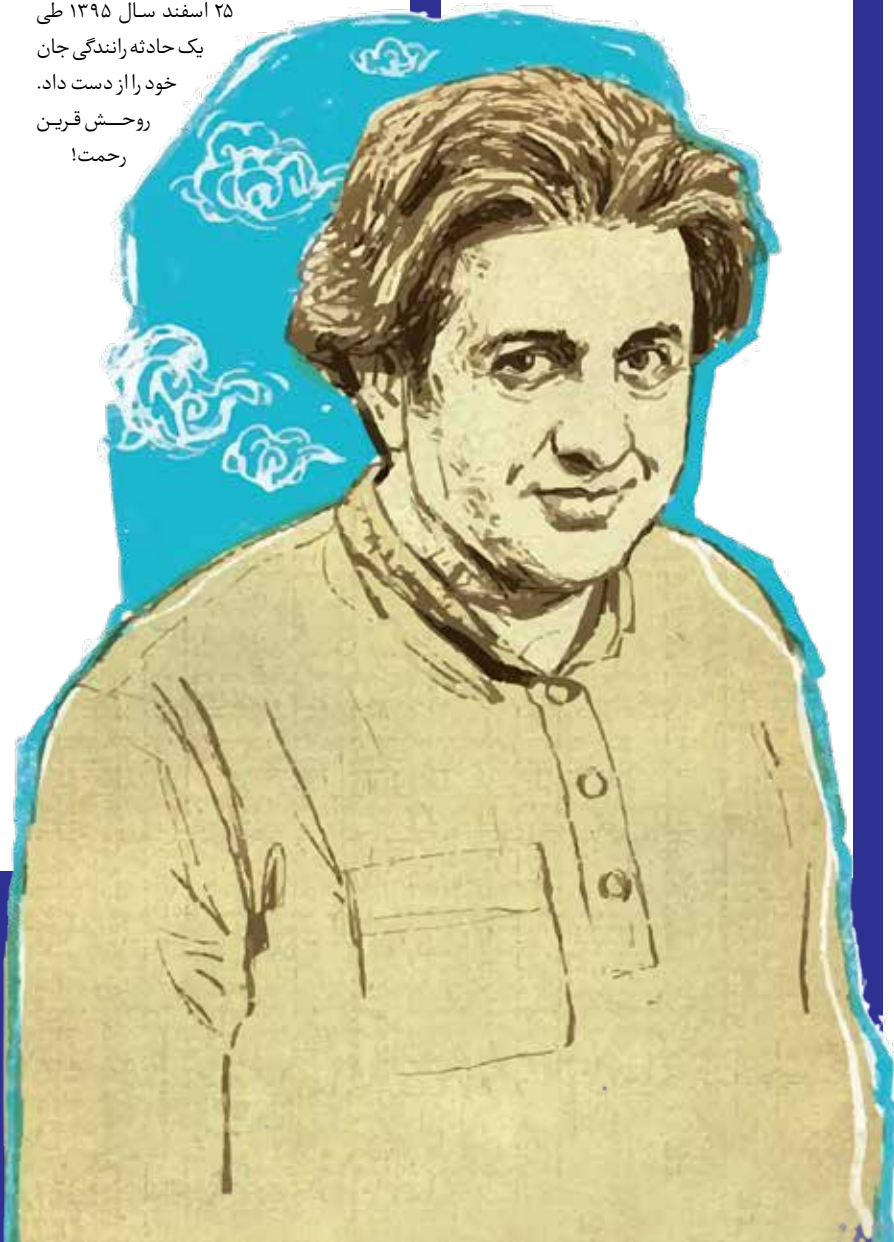
چنانچه در صندوقچه ذهن و درک خویش جست‌وجویی هرچند کوچک کنیم، بی‌شک از مرقومات وی آثار زیادی پیش چشم‌مان نقش خواهد بست. خاصه موسیقی‌هایی که همراه با طوماری که در پایان سریال‌ها و فیلم‌ها از اسامی دست‌اندرکاران ثبت می‌گردد، می‌آید و سنت شکنان روزگار و خارجی‌زبانان آن‌را تیتراژ می‌گویند. از خوش‌رکاب گرفته تا غریبانه و از شب دهم تا میوه ممنوعه.

اصلاً چه روی راه دراز کرده و مسأله را پیچیده کنیم. کافی است این چند خط را با صدای خدایگان صوت و آواز، سالار موسیقی ایران از انتها تا آغاز، جناب عقلی با من زمزمه کنید: «ایران، فدای اشک و خنده تو، دل پر و تپنده تو، فدای حسرت و امیدت، رهایی رمنده تو، رهایی رمنده تو...»

■ در پیدار شدن بیت‌الاشعار

یا همان «خانه‌ترانه»

القصة آورده‌اند که در سنه ۱۳۸۰ هجری



کلیه مدارک خودرو تارا به رنگ سفید مدل ۱۴۰۳
دستی ۶ سرعته شماره پلاک ۹۹ و ۶۲۵ ایران ۸۲
شماره شاسی NAAY11H5ARDE37026 و شماره
موتور IK187B0116428 مفقود گردیده و از هرجه
اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت شناسایی خودرو ساینا، مدل ۹۶، رنگ
سفید، شماره پلاک ۸۲۷ ط ۸۶-ایران ۶۶
شماره موتور M158401111، شماره شاسی
NAS8311005719395 به‌نام حمیدرضا کاظمی
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو و وانت نیسان تیپ ۲۴۰۰
مدل ۱۳۸۴ رنگ آبی شماره موتور 311183
شماره شاسی D98280 شماره پلاک
ایران ۲۰-۲۴۸ و ۲۴ به‌نام مصطفی ستاری
مفقود و از هرجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی مدرک تحصیلی دیپلم و پیش‌دانشگاهی
مدرک تحصیلی اینجانب سمیه آهویای فرزند غفار
به شماره شناسنامه ۲۴۱۵۲ صادره از تهران اصل
مدرک دیپلم از دبیرستان شهدای روزنامه اطلاعات
کرج و اصل مدرک پیش‌دانشگاهی از دبیرستان
عزت کرج مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

اینجانب زینب زعیمی دهینه مالک و انت وقت پیکان به شماره
شاسی ۸۲۹۱۹۱۲۳ شماره موتور ۱۱۲۸۲۰۱۷۲۷۲ به علت
فقدان اسناد فروش و برگ شناسنامه (برگ سبز) تقاضای
رونوشت المثنی مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کسی
ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر
حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان
شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از
انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقررات اقدام خواهد شد.

سازمان آگهی‌ها روزنامه جامجم
۴۹۱۰۵۰۰۰
daneshpayam.agahi@gmail.com